یادداشت

مهدی توکلیان
فعال فرهنگی

فرصت‌های هفته ملی کودک و منظومه فرهنگ و هنر ایرانی

سیاستگذاران فرهنگی در کشورهای جهان با برگزاری برنامه‌های گوناگونی مانند کارگاه‌های سفالگری و نقاشی، نمایشگاه‌ها، مسابقات، نمایش‌های تئاتری در مکان‌های بیرونی و برگزاری فعالیت‌هایی مانند آیین‌های سنتی و محلی یا کارهای کشاورزی، آموزش چگونگی رشد و پرورش سبزیجات به کودکان و آشنا کردن کودکان با مزایای رژیم غذایی سالم و کنار گذاشتن کلاس برای یک روز و اختصاص وقت خود به بازی، خوردن کیک و تفریح، نیز در کنار ده‌ها برنامه متنوع دیگر در این روز یا هفته و دهه‌های ملی کودک را در سراسر جهان جشن می‌گیرند و رویدادهای روز جهانی کودک را برگزار می‌کنند.

برگزاری فعالیت‌های فرهنگی و سرگرمی و همچنین رویدادهای هنری برای ارتقای رفاه و حقوق کودکان از مهم‌ترین برنامه‌های روز جهانی کودک است. مدارس در مقاطع پیش‌دبستانی و ابتدایی - البته تا پیش از بروز کرونا - یک روز پر از فعالیت برای یادبود این روز به دانش‌آموزان خود ارائه می‌کنند، مانند جشنواره‌ها یا گردش در مکان‌های تفریحی. اگرچه این جشن به صورت ملی در بسیاری از کشورها برگزار می‌شود، اما تعطیل نیست. در برخی کشورها هر سال، مؤسسات آموزشی و سازمان‌های مردمی که برای کودکان و نوجوانان کار می‌کنند، رویدادهایی را در مؤسسات خود ترتیب می‌دهند. پس از یادآوری و تأمل در حقوق کودکان، با موسیقی، بازی، ارائه‌های هنری و توزیع شیرینی میان سایر ابتکارات جشن گرفته می‌شود. در برخی کشورها اسباب‌بازی به کودکان داده می‌شود و در همه مراکز آموزشی، اعم از دولتی یا خصوصی، کودکان در مهمانی شرکت می‌کنند. این روز کاملا به سرگرمی کودکان اختصاص دارد.

برگزاری هفته ملی کودک در ایران می‌تواند منظومه منظمی برای پیوند زدن فکر و اندیشه کودکان ایران اسلامی با کتاب و فرهنگ اصیل اقوام ایرانی باشد و از زمینه این مناسبت برای بهره‌مند شدن از قابلیت‌های متنوع و متکثر فرهنگی- هنری این سرزمین کهن و تمدنی با بهره جستن از ظرفیت‌های رسانه‌ای فراهم شود تا با برگزاری مناسبتی مناسب این رویداد مهم زمینه احساس تعلق به ایران اسلامی و هویت ایرانی- اسلامی در اندیشه کودکان ایران اسلامی نقش بندد و زمینه‌ای مناسب برای زدودن گسست بین نسلی نیز فراهم شود.

در مواجهه با پدیده جهانی شدن و ظهور شبکه‌های ارتباطی جدید، حفاظت از زبان فارسی و استفاده مستمر از آن به عنوان یک زبان مشترک در کشورهای فارسی‌زبان و بهره جستن از این ظرفیت عظیم برای نشر و گسترش فرهنگ فارسی و ادبیات ایرانی، به اولویت اساسی می‌تواند در رویدادی مانند هفته ملی کودک بدل شود. آشنایی بیشتر با کتاب و علاقه‌مندی به کتابخوانی در کنار سایر ظرفیت‌های موجود فرهنگی و هنری، زمینه‌ساز فعالیت‌های فرهنگی متنوعی برای آینده ایران اسلامی خواهد بود.

حضور کودکان در جشنواره حال و هوای خوبی به آن داده بود | عکس: محمدرضا جعفری

چرا جشنواره اخیر فیلم‌های کودکان و نوجوانان به شعار خود عمل نکرد؟

بی خیال سرزمین خیال

علی رستگار
سینما

می‌گویند هرکاری بزرگ‌ترها انجام می‌دهند؛ بچه‌ها هم همان کار را می‌کنند، حالا شده حکایت سینمای کودک و نوجوان ایران که متاثر از فضای غالب سینمای ما که در این چند سال تقریبا به شکل دربست در انحصار فیلم‌های واقعگرا و موسوم به سینمای اجتماعی است، خیال و فانتزی را از یاد برده و مثل سینمای بزرگ‌ترها در اجتماع پرسه می‌زنند. اغلب فیلمسازان سینمای کودک و نوجوان به جای این‌که این گشت و گذار را در عالم خیال بزنند و دل مخاطبان کم‌سن و سال و نوجوان را به‌دست بیاورند و آنها را جذب کنند، ترجیح می‌دهند از مد اجتماعی بودن سینمای ایران و قافله جشنواره‌ای عقب نمانند و کارنامه‌ای انگار در شأن و جایگاه فیلمسازان اجتماعی‌ساز جایزه بگیر برای خود دست و پا کنند.

انتخاب شعار «سینما، سرزمین خیال» برای سی‌وچهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان فی‌نفسه خیلی هم خوب و ارزشمند و کنجکاوی برانگیز است و انگیزه‌ای برای مخاطبان کودک و نوجوان و البته علاقه‌مندان بزرگسال این سینما و فیلمسازان این زمینه برای پیگیری و مشارکت ایجاد می‌کند. اما ظاهرا این عبارت کلیدی برای ارتباط با بچه‌ها تنها در حد شعار باقی مانده و بیشتر فیلم‌های جشنواره نسبتی با خیال و رویا و فانتزی ندارند و پایشان را از گلیم واقعیت و فضای اجتماعی بیرون نگذاشته‌اند.

در حالی که سینمای کودک و نوجوان به‌ویژه در آن مبحث «برای کودک و نوجوان» باید خیال‌انگیز و جذاب و جلوه‌گرانه باشد، آن هم در زمانه‌ای که بچه‌ها نمک‌گیر انواع و اقسام فیلم‌ها و انیمیشن‌های پرزرق و برق خارجی هستند، یکی از گلایه‌های همیشگی درباره سینمای کودک و نوجوان در این سال‌ها، بی‌اعتنایی در اکران و در رقابت نابرابر و تبعیض‌آمیز با فیلم‌های بزرگسالان است اما شاید کمتر این موضوع مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد که فیلم‌های کودک و نوجوانی که ساخته می‌شوند، چقدر مایه برای اکران و رقابت با فیلم‌های دیگر و جذب بچه‌ها را دارند.

مشخصا اینجا صحبت فیلم‌های برای کودک و نوجوان است اما حتی ما این سال‌ها درخصوص فیلم‌هایی «درباره کودک و نوجوان» هم چندان درست کار نکرده‌ایم و کیفیت و اثرگذاری و مانایی این آثار با نمونه‌های به‌ویژه کانونی سال‌های دور قابل مقایسه نیست. یادمان نرود که برخی از بزرگ‌ترین فیلمسازان تاریخ سینمای ایران که با درام‌هایی جدی شناخته می‌شوند، دست‌کم یکی دو تجربه درخشان در زمینه سینمای کودک و نوجوان دارند.

مورد دیگر این‌که معمولا جشنواره‌ها تنها ویترین و محل نمایش و رقابت فیلم‌ها هستند و اساسا نقش و مداخله‌ای در تولید ندارند که مثلا انتظار داشته باشیم تحقق شعار سینما، سرزمین خیال در آن اتفاق بیفتد. اما اتفاقا درباره جشنواره‌ای مثل کودک و نوجوان که بنیاد سینمایی فارابی، متولی برگزارکننده آن است، این انتظار، توقعی به‌جا و قابل مطالبه است. چرا که خود بنیاد معمولا در تهیه و تولید و سرمایه‌گذاری فیلم‌ها مشارکت دارد و حتی گاهی از صفر تا صد آثار در این نهاد اتفاق می‌افتد. بنابراین، مجموعه‌ای که شعار سینما، سرزمین خیال را برای جشنواره خود برمی‌گزیند، می‌تواند در مراحل اولیه و تصویب فیلمنامه و حمایت از تولید، نقش مؤثری ایفا کند و به خیال و فانتزی هم پروبال دهد و گوشه چشمی هم به ظرفیت فیلم‌ها برای اکران داشته باشد. البته این به معنی بی‌محلی به واقعیت و سینمای اجتماعی کودک و نوجوان و نگاه جدی‌تر جشنواره‌ای هم نیست و منافاتی با دنبال کردن این مسیر ندارد.

البته موفق به تماشای همه فیلم‌های بلند و سینمایی این دوره جشنواره نشدیم اما با دیدن چند فیلم هم می‌شد حدیث مفصل از این مجمل خواند. متاسفانه نتیجه این مشاهدات، حکایت از کم و کاستی اساسی خیال، رویا و فانتزی در جشنواره این دوره دارد که از الزامات و نیازهای مهم این سینما و چنین رویدادی است. اگر هم در برخی فیلم‌ها لحظات کوتاهی خیال‌انگیزی به سر فیلمسازان زده، نمی‌توان آن را به کل جشنواره تعمیم داد و آن را به معنی تحقق شعار جشنواره دانست. ضمن این‌که نباید شور و حال نسبی جشنواره را به حساب موفقیت فیلم‌ها در نظر گرفت و این اقبال و کنجکاوی بچه‌ها بیشتر به خاطر حضور در یک رویداد مرتبطی است که خودشان به شکل‌های مختلف، چه مخاطب و چه داور در آن مشارکت دارند.

سوییپر

یکی از راه‌های ترویج و اثرگذاری بهتر شعار سال (تولیدملی، پشتیبانی‌ها و مانع‌زدایی‌ها) قطعا استفاده از مدیوم مهم و پرطرفدار سینماست. فیلم سوییپر (به معنی مدافع جلوزن در فوتبال) به کارگردانی امین شجاعی، برای روایت قصه‌اش، همین شعار را دستمایه ساخت قرار داده است. تا اینجا خیلی خوب و ارزشمند است و چه خوب که این شعار و مبحث مهم، با زبان کودکانه و نوجوانانه به نسل آینده‌ساز کشور هم منتقل شود اما سازندگان فیلم، برای مواجهه با مخاطبان نوجوان، تقریبا همان راهی را می‌روند که سینمای اجتماعی و بزرگسال طی می‌کند. درحالی‌که می‌شد موضوع جذاب و پرطرفدار فوتبال را به خاک خیال و فانتزی کشاند. حتی همان بحث شعار سال و بحث مهم کشاورزی و تولید در کرمان می‌توانست در فضای جذاب‌تری برای مخاطبان نوجوان روایت شود.

تیام

موضوع مسابقات تیراندازی و علاقه قهرمان‌ها به این کار، بالقوه ظرفیت دراماتیک و جذابی دارد، چه رسد به این‌که دستمایه‌ای برای سینمای کودک و نوجوان باشد اما در فیلم تیام به کارگردانی امیرحسین عنایتی، تیرهای قصه به همه جا اصابت می‌کند به‌جز سیبل و هدف. اگرچه روایت فیلم در فضای بومی بختیاری و اشاره به دلیری و جنگاوری دختران غیور این سرزمین، ارزشمند است اما در روایت و ساخت و به‌ویژه انتخاب بازی‌ها، با فیلمی کم‌کیفیت روبه‌روییم که هیچ جذابیتی برای تماشا ندارد و در واقعیتی نچسب، هیچ خیالی در آن به چشم نمی‌خورد.

بر لبه پرتگاه

مسابقات سواری و عشق به اسب هم از آن سوژه‌هایی است که سینما و تلویزیون بارها سراغ آن رفته‌اند اما هنوز جذابیت دارد و می‌توان قصه‌های جذاب و مهیجی در این فضا روایت کرد اما بر لبه پرتگاه به کارگردانی مسعود فرخنده و رحمان محمدی هم تصمیم می‌گیرد نگاهی تلخ و واقعگرا و اجتماعی به موضوع داشته باشد. اگرچه باز ساخت فیلم در فضا و فرهنگ خلخال و بازی خوب بازیگر نوجوان، از جمله امتیازات آن است اما فیلم برای ارتباط جذاب‌تر با تماشاگران نوجوان از این پیشتر نمی‌رود و اسب فیلم (توفان) که می‌توانست کلی ماجرای شورانگیز و جذاب را رقم بزند، مسیر دیگری را انتخاب می‌کند. مقایسه شود با سریال سیلاس یا توفان که چه پرماجرا و مهیج تماشاگران را با خود همراه می‌کرد.

خبرنگار

ابراهیم فروزش از فیلمسازان معتبر و پرافتخار سینمای کودک و نوجوان و از نسل طلایی فیلمسازی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است؛ از آن فیلمسازانی که به‌ویژه در زمینه «درباره کودک و نوجوان» آثار مهم و تاثیرگذاری چون کلید و خمره را ساخته است اما این تجربه در فیلمی چون خبرنگار که می‌خواهد فیلمی برای نوجوانان باشد، چندان به کار نمی‌آید. با این‌که فیلمساز قصد ارتباط موثر با مخاطب نوجوان را دارد و مسیر نسبتا معمایی و ماجراجویانه‌ای هم برای قهرمانش سامو تدارک می‌بیند و عشق او به خبرنگاری و یافتن و بیان حقیقت، مستعد کلی اتفاق مهیج است اما فیلمساز انگار احتیاط و ملاحظه می‌کند و قید رویا و فانتزی را می‌زند. درحالی‌که صندوقی که بعد از ۱۵۰ سال از دریا پیدا شده و بطری‌هایی حاوی نامه‌های عاشقانه که هر روز در تور یکی از ماهیگیران می‌افتد، به چه خیالبافی‌ها و ماجراجویی‌ها که راه نمی‌دهد.

اشکنه

گویش شیرین اصفهانی همیشه کار را راه می‌اندازد. از قدیم و زمان استاد ارحام صدر و نصرت‌ا... وحدت تا مجید قصه‌های مجید و آقارشید و دیگران. این امتیاز بدیهی در اشکنه ساخته وحید پاکزاد هم وجود دارد و به‌ویژه شخصیت سجاد بانمک است اما باز قصه راهی به خیال پیدا نمی‌کند و بازیگوشی‌اش نهایتا به درد یک روایت تلویزیونی برای عصر جمعه می‌خورد و نه فیلمی برای اکران سینمایی و جذب مخاطبان انبوه کودک و نوجوان.

پسران دریا

این ساخته مشترک افشین هاشمی و حسین قاسمی‌جامی که قصه دو پسربچه به نام‌های لوچو و منگوش را در شمال و جنوب کشور روایت می‌کند، اتفاقا قصه سرراست و روایت بی‌لکنت و کیفیت خوبی دارد و حتی چند لحظه مخاطبان نوجوان را هم می‌خنداند و ارتباط می‌گیرد اما باز هر دو قصه، نیاز به شور و بازیگوشی و خیال‌انگیزی بیشتری داشت و می‌شد بدون این‌که به عمق و مفهوم فعلی فیلم لطمه زد، کمی هم سراغ خیال و فانتزی رفت.

قیام گربه‌ها

وقتی صحبت از خیال و فانتزی و شور کودکانه است، مثال‌هایی چون شهر موش‌ها ساخته مرضیه برومند و فیلم‌های دوران طلایی سینمای کودک و نوجوان در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ را مد نظر داریم. حالا خوشبختانه در این دوره جشنواره و در میان فیلم‌های کودکانه‌ای که می‌خواهند میان بزرگ‌ترها جایی برای خود دست و پاکنند، سروکله فیلمی پیدا شده به نام شهر گربه‌ها به کارگردانی سیدجواد هاشمی در فضایی خیال‌انگیز و کلی بازیگر چهره با گریم‌هایی بامزه. از آن آثاری که می‌تواند رونقی به گیشه کرخت کودک و نوجوان بدهد، هرچند شاید زور گربه‌ها به نوستالژی و قدرت موش‌ها نرسد.

خبر

معرفی برگزیدگان جشنواره شعر دانشجویی

گروه فرهنگی

دومین دوره جشنواره ملی دانشجویان کشور دیروز در حالی به کار خود پایان داد که مسؤولان برگزاری آن از استقبال زیاد دانشجویان سراسر کشور از جشنواره خبر دادند.

در مراسم پایانی این جشنواره که با حضور محدود برخی مدعوین همراه بود، عیسی علیزاده، معاون فرهنگی جهاد دانشگاهی با اشاره به استقبال دانشجویان از این جشنواره بر نقش ادبیات و به‌خصوص شعر در ایجاد فرهنگ زیست اجتماعی تأکید و از کاهش حجم اشعار انتقادی و اجتماعی انتقاد کرد.

علیرضا بهرامی ،شاعر و دبیر جشنواره نیز در این مراسم با اشاره به این‌که برای جشنواره یک برنامه‌ریزی سه‌ساله صورت گرفته است، گفت: باوجوداین‌که کرونا همه‌چیز را تحت تأثیر قرارداد، ما در برگزاری جشنواره چندان غافلگیر نشدیم و از قبل بسیاری از رویدادهای جشنواره را به‌صورت دیجیتالی و برخط برنامه‌ریزی کرده بودیم. بهرامی افزود: در این جشنواره شاهد استقبال بسیار خوب دانشجویان از سراسر کشور و از دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی مختلف بودیم به صورتی که می‌شود گفت در این جشنواره همه‌چیز هم ازنظر تعداد شرکت‌کنندگان، هم ازنظر تنوع دانشگاهی و جنسیتی متعادل بود و شاهد تراکم در بخش خاصی نبودیم جز در قالب‌های شعری.

وی با اشاره به کاهش شرکت‌کنندگان در بخش شعر سپید و قالب‌های نو تصریح کرد: شاید این مسأله که دلیل رویکرد و استقبال دوباره به قالب‌های کلاسیک در شعرامروز ما چیست، پژوهش‌های دانشگاهی در قالب مقاله و پایان‌نامه را می‌طلبد ولی خود ما هم انتظار نداشتیم استقبال از قالب‌های نو در این سطح کاهش پیدا نکرده باشد.

بهرامی خطاب به مسؤولان دانشگاهی و فرهنگی کشور گفت: آقایان مسؤول! وضعیت رویدادهای ادبی و فرهنگی در دانشگاه‌ها مناسب نیست و باید فکری به حال آن کنید. در دهه‌های گذشته، وجود جلسات و نشست‌ها و رویدادهای متعدد و متنوع باعث شده بود دانشجویان به دلیل رویکرد خود به مفاهیمی مانند عشق، عدالت‌طلبی و آرمانگرایی جریانی جدی در شعر و ادبیات را دامن بزنند. به گزارش خبرنگار ما در این دوره از جشنواره شعر دانشجویی، ۷۴۳ اثر در قالب‌های مختلف به مرحله داوری رسیدند که در بخش جنبی شامل خوانش متون و نقد و بررسی مجموعه اشعار، فرزانه فرهبدنیا حائز رتبه برتر در بخش آثار چندرسانه‌ای شد.

در بخش شعر کلاسیک، اسماعیل محمد پور دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه گیلان برگزیده تندیس ملی رودکی شد و در بخش شعر سپید و آزاد جشنواره برگزیده‌ای نداشت.

در بخش طنز، مسعود توکلی دانشجوی دکتری زبان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس و در بخش ترانه، عبدالمحمد مقتدایی دانشجوی کارشناسی ارشد معماری دانشگاه علم و صنعت، تندیس ملی رودکی گرفتند. همچنین سیده سارا مصطفوی، دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش هنر دانشگاه علم و هنر واحد اردکان یزد در بخش پژوهش شعر، تندیس ملی رودکی گرفتند.